

## تأثیر معماری بناهای حکومتی و دولتی بر هویت شهر تبریز (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هـ.ش)<sup>۱</sup>

محمدامین خجسته‌قمری\*  
حسین سلطانزاده\*\*

E-mail: khojasteh.tu@gmail.com

E-mail: h72soltanzadeh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱

### چکیده

بعد از ورود مدرنیته به ایران در دوره پهلوی اول، جامعه دچار دوگانگی بین گذشته و سنت از یکسو و تجدد و نوگرایی از سوی دیگر شد. حکومت به دنبال تغییر وضع موجود و توسعه‌ی مفاهیم مدرنیته غربی بود. یکی از نمودهای این تحولات، تغییر کالبد شهرها و شکل‌گیری هویت جدید در شهرهای ایران به خصوص شهرهای تاریخی و با اهمیت بود. از این سو، چگونگی تأثیر معماری بناهای حکومتی و دولتی در انتقال مفاهیم تجدد در هویت شهر تبریز سؤال اصلی این تحقیق است. در این مقاله ابتدا مروری بر مفاهیم سنت و مدرنیته و تأثیر آن بر معماری این دوره داریم و سپس تأثیر معماری و تفکر غربی حکومت مورد بررسی قرار می‌گیرد. مبانی نظری تحقیق بر این نکته استوار است که پدیده‌های اجتماعی و تاریخی بر روی معماری تأثیرگذار است. شهر تبریز به‌عنوان یکی از شهرهای مهم و تأثیرگذار در تاریخ ایران به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده و برخی از بناهای این شهر در دوره پهلوی اول مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. این پژوهش از نوع کیفی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها به‌صورت استنادی و میدانی بوده است. نتیجه پژوهش حاکی است که در دوره پهلوی اول، در شهر تبریز علی‌رغم اقدامات تجددگرایانه در شهر و شکل‌گیری بناهایی دال بر تغییر نگرش از سنت به مدرنیته، به حفظ بافت و ارزش‌های تاریخی توجه شده است، ساخت و ساز بناهای مهم حکومتی و نیز شکل‌گیری جداره‌های با ارزش بر هویت‌سازی تبریز در این دوره تأثیر مهمی داشته است.

**کلید واژه‌ها:** پهلوی اول، سنت، مدرنیته، معماری حکومتی، معماری تبریز.

۱. مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری با عنوان: «نقش فرهنگ غرب در شکل‌گیری معماری معاصر ایران (منطقه آذربایجان؛ ۱۳۵۷-۱۳۰۰ هـ.ش)» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

\* گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

\*\* گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## ۱- مقدمه و طرح مسأله

شروع تجدد در ایران با شکست سپاهیان عباس میرزا از سپاهیان پاسکویچ روسی شروع شد، و در ادامه به تحولاتی نه تنها در زمینه‌ی نظامی، بلکه در اقتصاد، سیاست، هنر و معماری نیز انجامید. مروری بر تحولات این دوران، به خصوص دوره‌ی زمامداری ناصرالدین شاه قاجار جایگاه ویژه‌ی جریان‌های نوگرا و تأثیر آنها را بر تحولات هنر و معماری این دوران بیش از پیش جلوه‌گر می‌سازد. (نبوی، ۱۳۹۳: ۳۳۳)

دوران سلطنت پهلوی اول از مهم‌ترین دوران زندگی سیاسی و تاریخی ایران محسوب می‌شود. این دوره سال‌های تغییر و تحول عمده و بنیادین در ساختار اجتماعی و فرهنگی است. روی کار آمدن رضاشاه را باید سرآغاز جدیدی در شکل‌گیری هویت جامعه ایرانی به‌شمار آورد. هم‌زمان با حکومت پهلوی اول در ایران روند گذر از دوران سنتی به مدرن در بخش‌های مختلف نظیر صنعت، اقتصاد و نیز معماری در کشور ظهور پیدا کرد.

این تحولات با روی کارآمدن حکومت پهلوی، به جهت علاقه حکومت حاکم به نوگرایی و تأثیرپذیری از فرهنگ وارداتی غرب که از اواسط قاجار شروع شده بود، شدت بیشتری پیدا کرده و تمام ارکان زندگی اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار داد. چرا که هدف دراز مدت رضا شاه ایجاد جامعه‌ای شبه غربی با توسل به غیرمذهبی کردن، ملی‌گرایی و توسعه مبانی مدرنیته غرب بود. در دوران حکومت رضاخان، باتوجه به تغییر حاکمیت و خواست دولت برای ورود مدرنیزاسیون در بخش‌های مختلف از جمله معماری، بناهای بسیاری خصوصاً ساختمان‌های عمومی و حکومتی ساخته شد. نهادهای جدید حکومتی و دولتی نیاز به بناهایی عظیم داشت که باید اقتدار و شکوه دوره جدید را نوید می‌داد.

در پژوهش حاضر بناهای شاخص حکومتی و دولتی دوره‌ی پهلوی اول شهر تبریز به‌عنوان یکی از شهرهای قدیمی و تاریخی و مهم و نقش‌آفرین در حکومت‌های مختلف، مورد مطالعه قرار گرفته است. شایان ذکر است که تجلی کالبدی مدرنیته در معماری این دوره از سه مقوله شکلی، عملکردی و کاربری‌های جدید متأثر از نوگرایی قابل بررسی است. دولت حاکم با دعوت از معماران خارجی و نیز بهره‌گیری از معماران ایرانی تحصیل‌کرده در خارج و بر مبنای شیوه غربی توانست در شکل‌گیری هویت جدید شهرها از جمله تبریز نقش بسزایی ایفا کند.

## ۲- سوال تحقیق

نقش معماری بناهای معاصر ایران و به‌طور خاص بناهای حکومتی و دولتی شهر تبریز در دوران گذار از سنت به مدرنیته بر شکل‌گیری هویت این شهر در دوره پهلوی اول چیست؟

## ۳- روش تحقیق

با توجه به ماهیت تحقیق و نیاز به بررسی و مطالعات اسناد و مدارک و حضور در محل، این تحقیق از نوع کیفی و روش آن توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای - میدانی صورت گرفته است.

## ۴- پیشینه تحقیق

- بانی مسعود (۱۳۸۸)، در کتاب معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و نوگرایی، به واکاوی عوامل مؤثر مدرنیته در معماری ایران با محوریت مطالعه سیر تحول معماری معاصر ایران و تأثیرات گرفته شده از معماری غرب از قاجار تا بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. علی‌رغم طرح عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار بر معماری این دوران، به‌طور شاخص به تأثیر این مقولات در شهر تبریز پرداخته نشده است.

- کیانی (۱۳۸۳)، در کتاب معماری دوره پهلوی اول، به تاریخ معماری و شهرسازی ایران بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ هـ.ش پرداخته است. موارد مطالعاتی آن به‌طور شاخص بر شهر تهران تمرکز داشته و بعضاً در قسمت‌هایی به شهرهای دیگر ایران اشاره شده است. و نگاهی متمرکز به سایر شهرها من جمله تبریز صورت نگرفته است.

- صارمی (۱۳۷۴)، در کتاب مدرنیته و تأثیر آن بر طراحی معماری و شهرسازی ایران، به واکاوی تأثیر تجددگرایی بر معماری و شهرسازی با نگرش عمیقی پرداخته است. اما به‌طور ویژه و خاص به این تأثیر در شهرهای شمالغرب من جمله تبریز اشاره‌ای نشده است.

- دولتی و ضامنی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن»، مبانی هویت ملی از دیدگاه فرهنگی بدون تحلیل آن در اثرگذاری شکل‌گیری معماری و شهرسازی بررسی کرده است.

- مهدوی‌نژاد و منصوری (۱۳۹۴)، در تحقیق خود با عنوان «ورود جریان‌های نوگرا

به معماری معاصر ایران» به بیان نقش حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی اندیشه نوگرا بر معماری معاصر ایران در تهران دوران قاجار و پهلوی اول بدون اشاره به تأثیر عوامل شکل‌دهنده به معماری مدرن در سایر شهرهای مهم از جمله تبریز، اقدام نموده‌اند.

- معرفت (۱۳۶۷)، در رساله دکتری خود با عنوان: ساخت و ساز یک قدرت: معماری تهران ۱۳۲۰-۱۳۰۰، مطالعات جامع و کلی در ارتباط با تأثیر دولت‌های غربی بر شکل‌گیری مدرنیزاسیون در طبقات اجتماعی متوسط و بالای جامعه ایرانی و شکل‌گیری بناهای متأثر از این تحولات با تأکید بر شهر تهران در دوره پهلوی اول انجام داده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود اکثر پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر در ارتباط با بیان مبانی فکری و ایدئولوژی حاکم بر اجتماع آن دوره و نیز اکثراً پرداختن به تأثیرات آن در پایتخت به‌عنوان مهم‌ترین شهر کشور به لحاظ سیاسی و اجتماعی و الگویی برای سایر شهرها، مورد توجه بوده است. حال آن‌که تأثیرات سیاسی و اجتماعی وقایع آن دوران در شهرهای مهم دیگر از جمله تبریز آنچنان بایسته و شایسته مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. لذا از این جهت پرداختن به این امر می‌تواند به‌عنوان وجه تمایز پژوهش حاضر با آنچه که پیش‌تر انجام یافته، ذکر گردد.

#### ۵- چارچوب نظری تحقیق

هویت به معنی چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن به چیزی یا جایی بر می‌آید. (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۰۱) کاستلز هویت را به معنای هستی یک فرد، گروه، جامعه، ملت و فرآیند ساخته شدن معنا، بر پایه یک ویژگی فرهنگی با یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند، می‌داند. (کاستلز، ۱۹۷۷: ۷۷) در این میان شناخت عناصر هویت‌ساز و هویت بخش در آثار معماری ما که خود بخشی از فرهنگ یک ملت به حساب می‌آیند، می‌تواند عاملی برای شناخت میراث سرزمین، تاریخ آن و حضور بیگانگان در برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران و نقش آنان در شکل‌گیری بخشی از هویت شهرها، باشد. یکی از عوامل شناسایی هویت شهر، بناهای موجود در آن در دوران مختلف تاریخ است. هم‌چنان‌که «هرمان موتسیوس»، یکی از اولین نظریه‌پردازان جنیش ورکبوند آلمان در سال ۱۹۱۱ گفته است که معماری وسیله واقعی فرهنگ یک ملت بوده و هست.

با توجه به موارد مطرح شده، به نظر می‌رسد که معماری بناها در دوره پهلوی اول با

سرلوحه قرار دادن مبانی و مفاهیم غربی آن توسط معماران، و تجلی کالبدی و شکلی آن در ساختار شهرها در دوره پهلوی اول در انتقال ذهنی و عینی مفاهیم نوگرایی در بین ساکنان شهرها و بناها، نقش قابل توجهی را ایفا کرده است. در همین راستا لازم است مفاهیم نسبت، تجدد، هویت و تأثیر شاخص‌های مدرنیته در معماری معاصر ایران و به‌طور خاص معماری شهر تبریز در دوره پهلوی اول مورد بررسی قرار گیرد.

## ۶- سنت و تجدد

«سنت» ترکیبی از مجموعه عناصر مذهبی، فرهنگی، تاریخی، رسوم، آداب و نگرش‌های خاص که شیوه معمولاً نااندیشیدنی برای زندگی است. بدین معنی که مجموعه عناصر و اجزای آن به‌عنوان وصفی از پیش داده شده پذیرفته می‌شود. می‌توان این تعریف را برابر نوعی پارادیم دانست که تا حد جهان‌بینی بالا می‌رود. (منصور کیایی، ۱۳۷۹: ۵۶)

اندیشه «تجدد» را می‌توان در مفاهیم عقل‌گرایی، اومانیزم، فردگرایی، آزادی، برابری، داعیه معرفت انسان و پیشرفت بی‌حد و حصر خلاصه کرد. اکثراً سده هیجدهم را دوران پایه‌ریزی مبانی نظری دفاع از دستاوردهای مدرنیته می‌دانند. مدرنیته وقتی از سنت سخن می‌گوید، تنها در تعریف آن متوقف نمی‌شود. بلکه از این تعریف برای شناساندن خود نیز استفاده می‌کند. از این زاویه سنت یکی از غیریت‌های اساس تجدد است و با ظهور تجدد، مفهوم سنت پدیدار می‌شود؛ یعنی آنچه مدرن نیست در اردوگاه سنت افکنده می‌شود. پس جامعه سنتی نخست وضع و سپس به‌عنوان عنصر بیرونی از دایره عقل متجدد طرد می‌شود. (منصور کیایی، ۱۳۷۹: ۵۷)

ایران از جمله کشورهایی بود که از دروازه‌ی تجدد لیبرالی وارد عصر تجدد شد. برای رسیدن به این نوگرایی اقداماتی چون استخدام رایزن نظامی فرهنگی و اعزام دانشجویان به خارج و ایجاد نظام ارتش جدید و تأسیس چاپخانه در اوایل سده نوزدهم صورت گرفت. اگر چه انقلاب مشروطه ایران تا حدودی محصول ورود ایران به دروازه تجدد لیبرالی بود، اما پسوند مشروطه نشان داد که ورود به تجدد لیبرالی در سطح فلسفه سیاسی آن خواهد بود. بنابراین تجدد لیبرالی که به تدریج به سال‌های بحرانی خود وارد و به دوره تجدد سازمان یافته نزدیک می‌شد. با آگاهی و سنت تاریخی خاص حاضر در ایران هماهنگی پیدا نکرد و نوع برخورد سنت با آن پیوسته انتقادی و مقاومت‌آمیز باقی ماند. رابطه حاکم بر این نوع مواجهه با دوگانه سنتی -

غربی، شناخته می‌شود که شاخصه‌اش را می‌توان در جنبش‌های ضد غرب‌زدگی و بازگشت به خویش‌نژاد جست‌وجو کرد.

## ۷- هویت و معماری

مقوله هویت از گذشته‌های دور به‌عنوان یکی از دغدغه‌های بشری مطرح بوده است. مفهوم کیستی و چیستی انسان یکی از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی بوده و عمده فیلسوفان و نظریه‌پردازان در رابطه با آن به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. این مقوله که در گذشته‌های دور پدیده‌ای ثابت و از پیش تعیین شده در نظر گرفته می‌شد، امروزه به مفهومی متغیر و پیچیده تبدیل گشته و موجب بروز بحران هویت و ناآرامی انسان مدرن شده است. در نتیجه بحث‌هایی در رابطه با چیستی هویت و مؤلفه‌های مؤثر بر آن امروزه نیز مانند گذشته و یا حتی بیش از گذشته به‌عنوان یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در حوزه جامعه‌شناسی مطرح است. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱: مفهوم و مؤلفه‌های هویت از دیدگاه برخی اندیشمندان (منبع: نگارندگان)

امیل دورکیم	انسان محصول جامعه، هویت فرد، امری قراردادی و اعتباری و محصول مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جامعه (نوذزی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).
هربرت مید	هویت هر فرد از طریق سازماندهی نگرش‌های دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌گیرد و یا به عبارتی تصویر فرد از خود بازتاب نگرش دیگران به او می‌باشد (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۳).
گیدنز	هویت شخص بازتاب تفسیری فرد در تداوم زمان و مکان است، مسیری که فرد در طول عمر می‌پیماید (گیدنز، ۱۳۸۸: ۸۴).
جنکیز	شامل ویژگی‌های انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی محصول کنش متقابل فرد و جامعه است (جنکیز، ۱۳۸۱: ۴۴).
کاستلز	فرآیند ساخته شدن معنا براساس برخی ویژگی‌های فرهنگی (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۴).

ظهور مفهوم هویت در حوزه معماری، پس از جنگ دوم جهانی، در دهه ۵۰ میلادی و در پی بروز انتقاداتی به معماری مدرن شکل گرفت. به‌رغم مباحث گسترده‌ای که از آن زمان تا کنون در این رابطه صورت گرفته، این پدیده هنوز به‌عنوان موضوعی مورد توجه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مطرح است. از طرفی پژوهش‌های انجام گرفته حاکی از آن است که پدیده هویت در دوران معاصر، متأثر از تحولات صورت

گرفته در دوره‌های پیش از مدرن، مدرن و پست‌مدرن است. (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

جدول شماره ۲: مفهوم و اصول سازنده هویت در معماری از دیدگاه برخی نظریه پردازان  
(منبع: نگارندگان)

نظریه پردازان	دیدگاه‌ها در رابطه با مفهوم هویت در معماری
جان لنگ	او معتقد است: «طراحان باید پاسخ به نیازهای هویتی مردم به خواسته‌ها و تمایلات آنها توجه داشته باشند. هرگاه که شرایط عوض شود استدلال‌های جدیدی مورد نیاز است». (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۷۲). او همچنین محیط ساخته شده را رمزی فرهنگی می‌داند که معرف نهادهای اجتماعی بوجود آورنده آنها بوده و با تغییر ادراک انسان نسبت به عملکرد جامعه، فرم کالبدی محیط نیز تغییر می‌کند (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۰۲).
کوین لینچ	او هویت را به ساده‌ترین شکل معنی یا معنی یک محل تعریف کرده که شخصیتی مشخص و بی‌نظیر را به مکان می‌بخشد و ارتباط نزدیکی با هویت شخصی پیدا می‌کند. (لینچ، ۱۳۹۰: ۱۷۲). وی معتقد است که یک مکان خوب، مکانی است که تا حدودی با شخص و فرهنگ وی تناسب داشته باشد، وی را از جامعه‌اش، از گذشته‌اش، از شبکه زندگی و جهان زمان و فضا که همه چیز را احاطه کرده آگاه سازد. (لنگ، ۱۳۹۰: ۱۸۱)
کریستین نوربرگ شولتز	شواتز هویت را مفهومی یکپارچه و وحدت یافته می‌داند که به صورت اتمسفر یا جو مکان بر مخاطب تأثیر می‌گذارد (شولتز، ۱۳۸۷: ۴۳) که به روح مکان شناخته می‌شود و در طول تاریخ و زمان پایدار می‌ماند. (شولتز، ۱۳۸۷: ۹۶) او معتقد است که «معماری اصیل معماری مراقبت است؛ اما معماری مراقبت لزوماً معماری مشارکت است». (شولتز، ۱۳۸۷: ۱۱۵)

#### ۸- معماری مدرن در ایران

از نظر جمع‌کنی از پژوهشگران، دوران قاجار آغاز ورود نوگرایی به ایران است و بنیانگذار آن عباس میرزا است. جنگ با روسیه و حضور اروپاییان در ایران، عباس میرزا ولیعهد و حکمران آذربایجان و تنها مرد قدرتمند و فهیم قاجار را که نیاز فوری به انجام اصلاحات به سبک غربی را درک می‌کرد ترغیب نمود که آموزش نظامی پاره‌ای از نیروهایش را به سبک غربی آغاز کند. عباس میرزا همچنین با اعزام تعدادی از ایرانیان برای تحصیل در اروپا گام بی‌سابقه‌ای در این راه برداشت. بنابراین «نظام جدید» اهمیت آموزش به سبک اروپایی را در فرآیند مدرن‌سازی و اصلاحات نشان داد. (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸: ۱۱)

یکی از عواملی که می‌توان آن را مبدأ تحولات معاصر دانست «انقلاب مشروطه»

است. «مشروطه وجهی از عقلانیت مدرن غربی بود که ریشه در اندیشه‌های مرتبط با جریان روشنگری اروپا داشت». (آدمیت، ۱۳۵۵: ۴)

پس از مشروطه در روندی تدریجی با گسترش تمایلات ترقی خواهی و تجددطلبی در میان گروه‌های مختلفی از جامعه‌ی ایران و رشد نسبی آگاهی‌های اندیشمندان ایرانی، فرآیند ترقی خواهی و تجددطلبی در ایران عصر قاجاریه و مشروطیت وارد مرحله‌ی جدیدی شد که در مقایسه با اندیشه‌ها و تکاپوهای ترقی خواهانه و تجددطلبانه‌ی پیشگامان نوگرایی و اصلاحات ایران، از گستردگی و عمق بیشتری برخوردار بود. (مقتدر، ۱۳۷۲: ۵۴)

تلفیق دو نظام سنت معماری کهن ایران و معماری غرب تا حد زیادی ناخواسته و نتیجه‌ی نفوذ دیرپای سنت کهن از یک سو و عدم آشنایی کافی با اصول علمی و آکادمیک هنر اروپایی تلقی می‌شود. سنگینی و رسوب نظام زیبایی‌شناسی هنر و معماری ایران، ناآگاهی از مبانی هنر آکادمیک جدید و خام دستی در تقلید کامل از آن، منجر به ظهور گونه‌ای جدید از هنر گردید که از آن با نام هنر و معماری قاجار یاد می‌کنیم. (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۷۴)

مقتدر، پیدایش دارالفنون که در آن استادان خارجی و ایرانی تحصیلکرده در خارج، تدریس می‌کرده‌اند را سهم بزرگی در تجدد معماری ایران می‌داند. هم‌چنین باید از مدرسه‌ی دولتی تبریز، مدرسه‌ی پسرانه‌ی امریکایی ارومیه و مکتب مشیریه برای تدریس زبان‌های خارجی، در ارتباط با دنیای غرب نام برد. در دارالفنون رشته‌ی مهندسی معماری وجود نداشت اما در قسمت مهندسی سیویل درسی تحت عنوان معماری وجود داشت که تهیه‌ی دومین نقشه‌ی تهران توسط استاد و دانشجویان همین درس انجام شد. میرزا رضای مهندس باشی و میرزا مهدی خان ممتحن‌الدوله و میرزا مهدی خان شقاقی اولین مهندسان معماری ایرانی بودند که سبب شدند برای اولین بار معماران مدرن از معماران بناهای سنتی جدا شوند. (مقتدر، ۱۳۸۷: ۷۶ و ۷۷)

معماری با گرایش سبک غربی از بناهای دربار شروع شد و سپس طراحی شهری تهران را دربرگرفت. در دوره‌ی ناصری معماری عمارت‌ها و قصرهای ارگ مانند عمارت حرم‌خانه و خوابگاه ناصرالدین شاه و عمارت شمس‌العماره تحت تأثیر اسلوب عمارت‌ها، قصرها و ساختمان‌های اروپایی به خصوص فرانسوی بود و معماری ایرانی با آمدن مهندسان و معماران اروپایی و تحصیل معدودی از دانشجویان ایرانی در فرانسه و تقلید از معماران فرانسوی به تدریج صیغه‌ی اروپایی به خودگرفت. (شرف و شرافت، ۱۳۵۵: ش ۲۷)



شهر تهران در دوره‌ی پهلوی اول به علت تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، چهره‌ی یک جامعه‌ی اداری و صنعتی به خود گرفت. خیابان مهم‌ترین نماد و واقعیت عمده‌ی شهرسازی رضاشاهی است. الگوی رایج خیابان‌کشی در این دوران ایجاد خیابان‌های عمود برهم بود. این خیابان‌های چلیپایی شکل غالباً با بریدن بافت‌های ارگانیک، ابتدا و انتهای شهر را به یکدیگر پیوند می‌زد. این دو خیابان یا بر روی دیوار و خندق قدیمی شهر بنا می‌شد و یا این‌که حاصل تعریض گذرهای قدیمی بود. (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸: ۱۸۶ و ۱۸۷)

دولت پهلوی با تأکید بر تجدیدطلبی، سعی می‌کند تا به گونه‌ای صوری چهارچوب‌های جدیدی برای تغییرات مورد نظر خود پدید آورد. جریان‌های فکری جدید که در اواخر دوره قاجار بروز کرد در حوزه‌های مختلف از جمله معماری، سیاست، تجارت و مسافرت ظهور پیدا کرد.

در اواخر دوران قاجار و به‌ویژه با به قدرت رسیدن رضاخان استفاده از مواد و مصالح جدید که در اروپا رایج بود، جایگاه ویژه‌ای در معماری پیدا کرد که با تشویق و حمایت رضاخان معماران ایرانی از این مواد و مصالح جدید برای ساخت و احداث بناها استفاده کردند. (سلطانزاده، ۱۳۸۹)

از آن‌رو که نهضت مدرنیسم در معماری هم‌چون دیگر مکاتب نخست در دانشگاه‌ها مورد توجه و آموزش قرار گرفت. آثار مطرح و به جا مانده از مکتب معماری مدرن را در نخستین سال‌های پیدایش آن در ایران به‌طور عمده باید در تهران و شهرهای بزرگ مانند تبریز و در ساختمان‌های عمومی و دولتی مشاهده کرد. (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

ساختمان‌هایی که طی این دوره طراحی شدند با این‌که ظاهری ایرانی و ملی داشتند، ولی بحران هویت بین هویت گذشته‌ای که به تازگی شروع به بحث راجع به آن شده بود و نیز معماری غربی که تلاش می‌شد توسط معماران آورده شود، شروع به دیده شدن کرد. (صارمی، ۱۳۷۴: ۱۸)

## ۹- معماری پهلوی اول؛ معماری حکومتی و آمرانه

آثار مهم این دوره عمدتاً توسط حکومت ایجاد شدند که در آن بهره‌گیری از معماری گذشته به‌صورت سطحی و ظاهری با استفاده از موتیف‌های تاریخی دوران قبل از اسلام و انعکاس رویکرد حکومت که همانا حس خودبزرگی بینی و سلطه‌طلبی بود که خود را وارث امپراتوری‌های با عظمت گذشته می‌دانست. در این بین با توجه به اوج‌گیری معماری نئوکلاسیک مابین دو جنگ جهانی (۱۳۱۸-۱۳۱۴ ه.ش) و مورد

اقبال قرار گرفتن آن توسط رهبران دیکتاتور در کشورهای قدرتمند غربی از جمله آلمان و نیز نزدیکی حکومت به نگرش دیکتاتورمآبانه، مورد توجه قرار گرفت؛ چرا که با ترکیب این سبک بارویکرد باستان‌گرایی و استفاده از عناصر تاریخی ماقبل، خواست حکومت در تجلی نگرش حاکم بر جامعه بیش از پیش محقق شد، که بیشتر در بناهای حکومتی و اداری و با حضور فعال و گسترده شرکت‌ها و مهندسین آلمانی مورد استفاده قرار گرفت. در این دوره حکومت تلاش کرد که جامعه‌ای شبه مدرن با قالبی آمرانه شکل گیرد.

که مبانی اصلی آن مبتنی بر سه عامل لائیسزم، ملی‌گرایی و مدرنیسم بود.

از آنجایی که اندیشه تمرکزگرا، سنت‌شکن، تجدیدطلب و مدرن و دارای اسلوب نظامی در دوره بیست ساله ظهور کرد. ساختار دولت نیز به گونه‌ای شد که چنین تفکری را به اجرا درآورد: ۱- بالاتر قرار گرفتن ساختمان از سطح زمین و نیز نمایش آشکار در وسط و محل ورودی ساختمان تقریباً در تمامی بناهای این دوره مشاهده می‌شود. آمدن بنا از سطح زمین بر سیما و شکوه آن تأکید می‌کند. ۲- ورودی‌های بلند و ستون‌های مرتفع و کشیده. در بناها اگر چه از یک نگاه به معماری دوره قدرت‌گرایی آلمان و آغاز قرن بیستم و از نگاه دیگر به عظمت و قدرت باستان‌گرایانه ایران کهن نظر دارد، هرچه باشد در پی اقتدار و عظمت است. ۳- نمای بناهای دوره رضاشاهی بیشترین استفاده را از نشانه‌ها و عناصر خطی - عمودی برده است. ستون‌ها و پنجره‌ها بیشترین نقش را در این کاربرد داشته‌اند تا بتوانند بر ایجاد حس ابهت و شکوه بنا بیفزایند. برخلاف این حرکت عمودی خود بناها در جهت افقی کشیده شده‌اند و به صورتی سنگین و حجیم بر زمین نشسته‌اند. (مختاری‌طالقانی، ۱۳۸۸: ۷۰)

دعوت از معماران خارجی و نیز بهره‌گیری از معماران تحصیل‌کرده در غرب، تأثیر به‌سزایی در روند مدرنیته و شکل‌گیری هویت نو در معماری معاصر ایران داشت که باعث شکل‌گیری رویکرد مدرنیسم در طراحی آثار شد. آثار مطرح به جا مانده از این رویکرد را می‌توان به‌طور عمده در تهران و شهرهای بزرگ مانند تبریز و در ساختمان‌های دولتی و حکومتی مشاهده کرد. لذا سبک‌های رایج در معماری پهلوی اول به شرح زیر قابل بیان است:

- ادامه معماری قاجار متأخر (اواخر قاجار) - معماری در قالب تقلید صرف و بدون بینش و کورکورانه از معماری غرب با اندک تغییراتی در استفاده از مصالح و تکنیک ساخت.
- معماری نئوکلاسیک غربی با بهره‌گیری از موتیف‌های باستانی پیش از اسلام و شکل‌گیری معماری موسوم به ملی‌گرایانه.

معماری مربوط به اوایل مدرن (توجه به اصول مدرن اولیه) - معماری صورت گرفته از سوی معماران خارجی و نیز معماران ایرانی تحصیل کرده در غرب.

#### ۹-۱- تحولات ساختار شهر تبریز در دوره پهلوی اول

سیاست همواره تأثیر مستقیمی در تمامی امور یک کشور داشته است. تبریز در این دوره تحولات بسیاری در خود مشاهده می‌کرد. انقلاب مشروطه که در دوره قاجار رخ داد، در تبریز به وضوح تغییراتی ایجاد کرد که آن را به یکی از اصلی‌ترین مراکز مشروطه تبدیل کرد. رونق مبادلات تجاری و فرهنگی تبریز و مرکزیت اقتصادی این شهر در طول سده‌ها، به پیشرفت و گسترش نهادهای مدنی و اجتماعی تبریز منجر شده است. توسعه این شهر به‌ویژه در دوران قاجار با هم‌جواری با روسیه و عثمانی و موقعیت سوق‌الجیشی این شهر در مسیر مبادلاتی ارتباطی شرق و غرب شدت یافت. از همین رو نقطه آغازین بسیاری از پیشرفت‌ها و مظاهر تمدن نوین در سطح کشور از تبریز آغاز شده است. از سویی تبریز به‌عنوان شهری که بر سر راه ابریشم قرار داشت، مجموعه‌ای از اولین نظامات اداری و آموزشی را تجربه می‌کرد که تا آن زمان در ایران یا وجود نداشت و یا هم‌زمان با پایتخت وارد تبریز شده بود و این امر تأثیر زیادی بر رونق شهری تبریز داشت. همه اینها زمینه‌های اجتماعی و سیاسی بود که تأثیر مستقیم بر روی فرهنگ و در نتیجه ساختار شهری تبریز شد. برخی از اقدامات عمرانی صورت گرفته در تبریز در دوره پهلوی شامل موارد زیر است؛

با روی کار آمدن حکومت پهلوی در آغاز سده چهاردهم هجری، در تبریز نیز همانند دیگر شهرهای مهم کشور، اقداماتی در جهت تغییر سیمای کالبدی آن از یک شهر سنتی به شهر امروزی صورت گرفت. نخستین اقدام در این زمینه، احداث خیابان‌های عریض، مستقیم و اتومبیل‌رو است که به‌عنوان مظهر تجدد و پیشرفت، همواره مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد. (تصویر شماره ۱).

- خیابان‌کشی‌های جدید و شکل‌گیری ستون فقرات شهر در راستای محور خیابان پهلوی به‌عنوان خیابان اصلی شهر ساختار شهری را متحول کرده و شکل و فرم جدیدی به ساختار شهر داده است.
- تغییر و تحولات و گسترش بافت‌ها و محلات و به وجود آمدن اتصالات و دسترسی‌های جدید، فضاهای جدیدی را به وجود آورده است.
- طرح‌های آمراجه در راستای خیابان‌کشی‌های شهری موجب از بین رفتن برخی نقاط شاخص نظیر میدان صاحب‌الامر و همچنین ایجاد دسترسی ناصحیح در ارتباط بین فضاهای شهری نظیر مسجد کبود شده است. فضاهای و خط‌های هندسی جدید ساختار اصلی شهر را دچار تغییراتی کرده است.



پهلوی (۱۳۱۵ ه.ش)

### تصویر شماره ۱: نقشه‌ها و عناصر ساختاری شهر تبریز در دوره پهلوی اول

(مهندسین مشاور نقش محیط، ۱۲۷: ۱۳۹۲)

احداث اولین چاپخانه، اولین سینمای عمومی، اولین کودکستان، اولین مدرسه کر و لال‌ها و اولین خیابانی که داری برق شد در این دوران اتفاق افتاد. در کنار چنین تحولاتی که در تبریز در دوران تحول و تجدد خواست رضاخان به خود می‌دید، کاربری‌های جدیدی در نظام اداری شهر ایجاد شده بود که نیاز به فضایی برای فعالیت داشتند. در این دوره که بناهای دولتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده بودند در پی معماری بودند که بتواند به بهترین نحو معرف نوگرایی و تجدد در همه زمینه‌ها باشد. نخستین خیابان احداث شده در تبریز، خیابان پهلوی است که در فاصله سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۰۰ احداث شده است. این خیابان که پس از انقلاب به نام خیابان امام خمینی (ره) نامگذاری شد (تصویر شماره ۲)، به‌عنوان مسیر ارتباطی میان جاده تهران - تبریز و تبریز - مراغه، ابتدا از حوالی چهارراه منصور تا میدان «فونق‌باشی» کشیده شد.



### تصویر شماره ۲:

تصویری از خیابان امام تبریز (پهلوی

سابق) در دوران پهلوی

(منبع: میراث فرهنگی تبریز)

پس از احداث خیابان پهلوی، اقدامات وسیعی از سال ۱۳۰۶ در زمینه بازگشایی خیابان‌های متعدد منشعب از خیابان پهلوی آغاز شد. این خیابان‌ها که بعدها به ترتیب: شاهپور جنوبی، فردوسی، منجم، خاقانی و منصور نامیده شدند در فاصله سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۰۷ هـ.ش تکمیل شدند. در همین دوره گذر حد فاصل دروازه نوبر و دیک باشی، تعریض و به نام شهردار وقت «خیابان تربیت» نامیده شد. (بهمنش، ۱۳۸۹)



تصویر شماره ۳: باغ گلستان (منبع: میراث فرهنگی تبریز)

یکی دیگر از اقدامات شهرسازی برجسته دوران شهرداری محمدعلی تربیت، تبدیل گورستان نیمه‌متروکه گجیل به پارک‌شهر است، که عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۱۰-۱۳۰۷ هـ.ش، آغاز شده و در سال‌های بعد «باغ گلستان» نام گرفت (تصویر شماره ۳).

#### ۱-۱-۹- بناهای حکومتی و دولتی مهم شهر تبریز در دوره پهلوی اول

##### ۱-۱-۹-۱- ساختمان بلدیه (شهرداری) تبریز

برجسته‌ترین کار عمرانی این دوره، احداث ساختمان «ساعت» به‌عنوان شهرداری تبریز در محل گورستان متروکه نوبر است. ساخت این بنا از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ هـ.ش به دستور رضاشاه و بانظارت مهندسان آلمانی انجام گرفت.

تصویر شماره ۴:

موقعیت استقرار عمارت

شهرداری تبریز نسبت به

میدان ساعت و خیابان امام

خمینی (منبع: آرشیو

شهرداری تبریز)

خیابان امام خمینی (ره) - (پهلوی سابق)



کاخ شهرداری تبریز بنایی با مساحت نه هزار و ششصد متر مربع است که به دستور رضاشاه پهلوی در محل گورستان متروک و مخروبه کوی نوبر با نظارت مهندسان آلمانی و در زمان ریاست شهرداری حاج ارفع‌الملک جلیلی انجام شد. کاخ شهرداری تبریز یک برج ساعت چهارصفحه‌ای به ارتفاع سی متر ونیم دارد. عدم وجود کاربری‌های این‌چنینی تا آن زمان موجب الگوپذیری آن از معماری روسیه و آلمان بود. معماران آلمانی ناظر بر ساخت مجموعه بودند. مجموعه به بناهای سبک «نئوگوتیک» (۱) و «نئوکلاسیک» (۲) در آن زمان اروپا شباهت دارد. در این بنا از عناصر معماری گذشته ایران در حد بسیار جزئی استفاده شده است، اما همان شباهت‌های اندک در غالب معماری غرب به نمایش درآمده است. نمای خارجی تالار شهرداری تبریز از سنگ تراشیده بوده و نقشه ساختمان آن با نمونه ساختمان‌های کشور آلمان قبل از جنگ جهانی دوم مطابقت دارد.



تصویر شماره ۵: عمارت شهرداری تبریز، دوره پهلوی اول، سبک نئوگوتیک  
(منبع: میراث فرهنگی تبریز)

یکی از راه‌حل‌های جالبی که در طرح معماری بنا نسبت به میدان و خیابان‌های اطراف وجود دارد، دو چرخش چهل و پنج درجه به جای یک زاویه نود درجه و استقرار یک فضای رابط بین دو بلوک جنوبی و غربی است که ترکیب کلی بنا را به وجود آورده و در مورد توزیع فضاهای عملکردی نسبت به نمودار سازمانی شهرداری جلوه می‌کند. در معماری این ساختمان، به واسطه نبود تیرآهن در مملکت، سعی شده پوشش فضاهای مختلف با طاق‌های ضربی و فضاهای بزرگ با طاق‌های نیمه استوانه‌ای اجرا شود که در نتیجه دیوارهای قطور در یک تقسیم‌بندی هندسی منظم از جرزهای آجری، تکنیک ساختمان را به وجود آورده است. وجود برج ساعت بر محور اصلی و ظریف‌کاری‌هایی که در نما از آن استفاده شده، بیشتر مکتب معماری روس را به‌خاطر می‌آورد. کلیه تدابیر رعایتی در طرح نمای ساختمان و متمایز کردن آن با سایر ساختمان‌های هم‌زمان، شهرداری تبریز را به شاخص‌ترین بنای عصر خود بدل ساخته است. (باور، ۱۳۸۸: ۷۱-۶۸)

**۲-۱-۱-۹- کتابخانه ملی تبریز**

ساختمان سابق کتابخانه ملی تبریز یکی دیگر از بناهای تاریخی این شهر به‌شمار می‌رود که در ضلع شمالی باغ گلستان قرار دارد. ساخت بنای کتابخانه ملی تبریز در سال ۱۳۱۳ خورشیدی آغاز شد و در سال ۱۳۱۸ خورشیدی توسط انجمن شهر تبریز مورد استفاده قرار گرفت. از دیدگاه معماری، پلان ساختمان کتابخانه ملی سه بخش دارد، که بخش میانی به شکل سالن و بخش‌های جنوبی و شمالی به اتاق‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. نمای بیرونی بنا از نوعی سنگ محلی به نام اسپراخون ساخته شده و سنگبری‌های به کار رفته در کل بنا، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند طاق پنجره‌ها و کنگره‌هایی با نقش گل در انتهای دیوارها بسیار شبیه به معماری عمارت شهرداری تبریز است.



تصویر شماره ۶: کتابخانه ملی سابق تبریز (عکس: نگارندگان)

**۳-۱-۱-۹- ساختمان دانشسرای عالی تبریز**

عملیات ساخت ساختمان دانشسرای فعلی در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در محل سربازخانه و میدان مشق تبریز شروع شده و در سال ۱۳۱۸ خورشیدی پایان پذیرفت. گفته می‌شود در ساختمان بنای دانشسرای مقدماتی پسران تبریز، مهندسان آلمانی نیز با معماران ایرانی همکاری فنی داشته‌اند هم‌چنین این مکان به‌عنوان اولین دانشگاه تبریز فعالیت می‌کرد.



تصویر شماره ۷: ساختمان دانشسرای عالی تبریز (عکس: نگارندگان)

ساختمان دانش‌سرای عالی تبریز در زمینی به مساحت بیست هزار و چهارصد و پنجاه و دو متر مربع احداث و نقشه آن نیز توسط معمار مشهور به نام «ماکسیم سیرو» - طراح موزه ایران باستان - تنظیم شده است. این بنا دو طبقه دارد. از نکته‌های جالب توجه این‌که هم‌زمان با احداث دانشسرای تبریز شانزده دانش‌سرای دیگر نیز در ایران با همین سبک ساخته شده که از میان آنها فقط بنای دانش‌سرای تبریز به‌عنوان شاهدهی بر نوگرایی در سیستم آموزشی ایران برجای مانده است. دانش‌سرای عالی تبریز بنایی آجری است که به سبک پهلوی اول و با تلفیقی از عناصر معماری ایرانی و غربی ساخته شده است.

#### ۴-۱-۱-۹- مدرسه پروین اعتصامی (توحید) تبریز

دبیرستان توحید یکی از قدیمی‌ترین دبیرستان‌های شهر تبریز است که در خیابان شریعتی قرار دارد و قدمت آن به دوران پهلوی اول می‌رسد. معماری دوران پهلوی کاملاً در ساختمان مدرسه مشهود است. بنا شامل سه طبقه، زیر زمین، همکف و اول و نیز سه ورودی در شمال و جنوب و غرب ساختمان است.



تصویر شماره ۱: ساختمان دبیرستان توحید تبریز (عکس: نگارندگان)

نمای ساختمان آجری است ولی در سال‌های اخیر با ملات سیمان اندود شده است و پایه‌های پنجره‌ها به‌صورت مدون تکرار شده‌اند. سردرب ورودی بنا به شکل نیم‌دایره و بنا دارای ازاره سنگی است. از ویژگی بارز بنا تقارن و تکرار مدول‌های نما است. مدرسه تزئینات خاصی ندارد و فقط سردرب ورودی‌ها آجری و به‌صورت قوسی است.

#### ۲-۱-۹- مقایسه تطبیقی عناصر معماری بناهای حکومتی و دولتی تبریز

با بررسی تطبیقی عناصر معماری و الگوهای فضایی بناهای حکومتی و دولتی پهلوی اول در شهر تبریز، می‌توان روند تحول، الگوپذیری و گرایش‌های نظری و معماری این بناها را در دوره موردنظر شناسایی کرد. می‌توان مهم‌ترین عناصر معماری



و الگوهای معماری بناهای حکومتی و دولتی را به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

#### ۱-۲-۱-۹- پلان و سازماندهی فضایی

با توجه به این که بیشتر کاربری های حکومتی و دولتی در دوره قاجار و پهلوی به وجود آمدند، لذا ساختار و فرم آنها نیز قبل از این دوران در معماری ایران یافت نمی شد، به همین دلیل، پلان و ساختار فضایی بناهای حکومتی و دولتی، تحت تأثیر معماری غربی بوده است. با توجه به فعالیت معماران روسی و آلمانی در تبریز در دوره پهلوی اول، فرم بناهای ساخته شده در این دوره کاملاً برون گرا و درارتباط با خیابان بوده است. بناهای حکومتی و دولتی در دوره پهلوی اول، مانند عمارت شهرداری و دانش سرا و مدارس، با توجه به تعدد فضاهای فعالیتی آنها و عدم امکان گسترش عمودی در طبقات به علت محدودیت سازه ای، به صورت کشیده و خطی در یک محور یا محور طولی و عرضی طراحی شده اند. در دوره پهلوی دوم، با توجه به استفاده گسترده از بتن و تأثیر مستقیم معماری مدرن، بناها با عظمت و شکوه و ارتفاع زیاد و پلان آزاد ساخته شده است.

#### ۲-۱-۲-۹- ورودی بناها

برخلاف معماری بومی و سنتی که ورودی یا هم سطح معبر بود و یا پایین تر از آن قرار داشت، در معماری این دوره با تأثیر از معماری غرب و وجود معماران خارجی، ورودی بناها با اختلاف سطح قابل توجهی از تراز خیابان و بالاتر از آن ساخته می شد. ورودی در اغلب موارد بررسی شده، با استفاده از پله های قوسی شکل یا شکسته تعریف شده است. در دوره پهلوی اول، ورودی بناها با یک بیرون زدگی همراه بود که در برخی موارد یک ایوان ستون دار با تزئینات نئوکلاسیک به مجموعه ورودی اضافه می شد. در دوره پهلوی دوم، ورودی بنا، به خصوص در بناهای استانداری و بانک ملی، با یک سردرب باشکوه و با کاشی کاری های برگرفته از معماری سنتی ایرانی همراه بود و مهم ترین عنصر نما را تشکیل می داد.



تصویر شماره ۹: ورودی بناهای حکومتی و دولتی اغلب به صورت بیرون زده و شاخص (عکس: نگارندگان)

### ۳-۲-۱-۹- عناصر نما و تزئینات بنا

نمای بناهای حکومتی و دولتی در دوره پهلوی، تلفیقی است از عناصر معماری سنتی و باستانی ایرانی و عناصر معماری غرب. در دوره پهلوی اول، سبک غالب معماری نما، سبک ملی است و از پنجره‌های کشیده پهلوی و نمای آجری بدون تزئینات خاص دیگری استفاده شده است. ولی با توجه به این که بنای عمارت شهرداری را مهندسان آلمانی طراحی کرده‌اند، لذا در بالای ستوری مجموعه از نماد عقاب استفاده شده است. به نظر می‌رسد این نماد که در بالای ستوری مرکز ساختمان است به نوعی تأثیر مستقیم معماری کلاسیک غربی محسوب می‌شود. استفاده از شیشه‌های رنگی که در هر دو معماری ایران و اروپا مرسوم بود و تاج‌های بالای کنگره‌های نمای ساختمان که بی‌شک برگرفته از معماری اروپایی است. در لبه‌های بام نیز از گل‌لوتوس استفاده شده است. برج ساعت در مرکز دو بال پلان و رو به میدان قرار دارد، حروف ساعت‌های برج یونانی است که قبل از هر چیز نشان از وارداتی بودن تکنولوژی ساعت و برج آن است. بالای برج کلاه فرنگی کوچکی وجود دارد که نقش خروج صدای ساعت را دارد. بنای دانش‌سرا، فاقد تزئینات رایج در معماری سنتی ایرانی است. در داخل بنا از هیچ‌گونه گچ‌بری یا سایر تزئینات استفاده نشده است و در خارج بنا تنها کتیبه‌هایی از جنس کاشی معرق که روی آن اشعاری در مورد علم و معرفت نوشته شده، استفاده شده است. یک ردیف آجرکاری به صورت حصیری در بالای دست‌انداز بام به چشم می‌خورد که از اثرات برج‌های مانده از معماری دوران قاجار محسوب می‌شود.



تصویر شماره ۱۰: نمای بناهای حکومتی و دولتی در دوره پهلوی، تلفیقی است از عناصر معماری سنتی و باستانی ایرانی و عناصر معماری غرب (عکس: نگارندگان)

در بناهای دیگر پهلوی اول، به خصوص مدارس، بیشتر از نمای آجری و با تزئینات آجری ساده و پنجره‌های عمودی معماری پهلوی استفاده شده است.

#### ۴-۱-۹- مصالح (ساختار و نما)

در دوره پهلوی اول، بناهای حکومتی و دولتی اغلب با مصالح سنتی و بومی چه در ساختار بنا و چه در نمای ساختمان ساخته شده‌اند ولی در برخی از بناها با توجه به نفوذ معماری غربی، از مصالح نوین که کاربرد چندانی در بناهای سنتی ایرانی نداشته‌اند نیز استفاده شده است. در عمارت شهرداری تبریز، سنگ اسبراخون به‌عنوان مصالح اصلی خصوصاً در نمای رو به میدان که تماماً با این سنگ خاکستری رنگ نماسازی شده است، اما در سمت صحن مجموعه از آجر هم‌رنگ سنگ نیز استفاده شده است، که به نظر می‌رسد بیشتر به دلیل راحتی و سرعت گرفتن کار بوده است. استفاده از این نوع سنگ در نماسازی در معماری بومی منطقه رایج نبوده و یک عنصر وارداتی است. برخلاف معماری بومی تبریز، بام مجموعه به شکل شیروانی که بام رایج ساختمان‌های اروپایی قرن هیجده و نوزده میلادی بود، ساخته شده است. در ساختمان دانش‌سرا، مصالح به کار رفته در نما و جداره‌های بنا آجر قزاقی است و از سنگ به‌عنوان ازاره تا ارتفاع یک متر بهره جسته‌اند. نعل درگاهی و کف پنجره بازشوها بتنی (که تا آن زمان چندان معمول نبود) و به‌صورت نمادین اجرا شده است. ستون‌ها، زیرستون و سرستون بسیار ساده‌ای دارند. بام مجموعه به‌صورت شیروانی و فلزی است. دیگر ساختمان‌های این دوره، اغلب ساختار آجری باریک و نمای آجری با تزئینات آجرکاری و یا نمای سنگی دارند.

#### ۳-۱-۹- مرکز حکومتی تبریز

مکانی که مجموعه اداری - سیاسی جدید شهر در آن ساخته شد، از دیرباز به‌عنوان

دیوانخانه و مرکز حکومتی شهر تبریز شناخته می‌شد (تصویر شماره ۱۱). مهم‌ترین بنای مجموعه دیوانخانه، عمارت «عالی قاپو» بود و به هنگام ولیعهدی مظفرالدین میرزا، به تقلید از کاخ شمس‌العماره تهران، «شمس‌العماره» نامیده شد.

<p>زیرنویس تصویر: «تبریز اجتماع اهالی در عالی قاپو که مشروطه تدارکات میکنند.»</p>	<p>زیرنویس تصویر: «عکس باغ عالی قاپو که از سیل ۸ مرداد ۱۳۱۲ پر شده است.»</p>	<p>زیرنویس تصویر: «میدان عالی قاپوی تبریز در روز جشن»</p>
<p>زیرنویس تصویر: «دیوانخانه تبریز (عمارت ناصریه) محل کنونی استانداری»</p>	<p>زیرنویس تصویر: «تبریز حیاط عالی قاپو»</p>	<p>نمایی از نظمیة تبریز در سال ۱۳۱۲ شمسی که سیل بزرگ آن سال نظمیة نظمیة یا بندل به دریاچه آورده است.</p> <p>زیرنویس تصویر: «نمایی از نظمیة تبریز در سال ۱۳۱۲ شمسی که سیل بزرگ آن سال نظمیة را مبدل به دریاچه کرده است.»</p>
<p>زیرنویس تصویر: «رئیس‌نویس با چند نفر از صاحب منصبان نظمیة مقابل نقطه طغیان آب سیل سال ۱۳۱۲ شمسی در میدان عالی قاپو (استانداری کنونی)»</p>	<p>زیرنویس تصویر: «نمایی از معرجم سبیل به اداره نیامی (سرمخانه) در سال ۱۳۱۲ شمسی هجوم سیل به اندازه‌های بوده که مردم برای رفت و آمد از قایق استفاده میکردند.»</p>	

تصویر شماره ۱۱: تصاویر عالی قاپو، شمس‌العماره و بناهای اطراف - سال ۱۳۱۲ هـ.ش  
(منبع: بلیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰)

در سال ۱۳۱۲، به هنگام استانداری ادیب‌السلطنه سمیعی، عمارت شمس‌العماره به علتی نامعلوم در آتش سوخت و تا سال ۱۳۲۶ که ساختمان استانداری جدید بر روی آن ساخته شد، ویرانه‌های آن بر جا بود. (تصویر شماره ۱۳)



بانک ملی تبریز (شعبه مرکزی) که در دوره پهلوی دوم ساخته و به مجموعه اضافه گردید.



ساختمان استانداری که اکنون تبدیل به موزه شده است



عمارت شهرستانی که در دوره پهلوی دوم تخریب شد.



تصویر شماره ۱۲: مرکز حکومتی شهر تبریز در دوره پهلوی (میدان شهدای کنونی) و استقرار سه بنای اصلی و شاخص پیرامون آن (منبع: آرشیو میراث فرهنگی تبریز)

#### ۴-۱-۹- جداره های تاریخی تبریز

تبریز از نخستین شهرهایی است که با ایجاد ضابطه‌ی الزام‌آور قانونی، هنر نگارگری و تذهیب را در بدنه‌سازی خیابان اصلی شهر به کار برده است. مجموعه‌ای از طرح‌های هنری که در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ شمسی، در بدنه‌ی ساختمان‌های مجاور خیابان‌های اصلی شهرها اجرا شده که در فرهنگ معماری و شهرسازی «جداره‌های تاریخی» نامیده می‌شود. جداره‌ها، مهم‌ترین عنصر معماری شهرها به‌شمار می‌روند، چرا که سیمای اصلی شهر را می‌سازند و باید آینه‌دار تاریخ و فرهنگ شهرها باشند. بافت تاریخی طرفین خیابان امام خمینی (ره) طبق قانون لازم‌الاجرای دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی، در دو طبقه ساخته شده است. مغازه‌ها در طبقات پایین قرار گرفته است. یک در چوبی زیبا بین مغازه‌ها تعبیه شده که با عبور از یک پاگرد، به واحدهای طبقه بالا می‌رسد که بیشتر کارکرد دفتری داشته‌اند. در قسمت فوقانی هر واحد، پنجره‌های مستطیلی با تزئینات زیبای آجرکاری طراحی شده است. تزئینات معماری بناها، از خیابان راه‌آهن شروع و با نزدیک شدن به میدان ساعت، فاخرتر و زیباتر می‌شد و همین‌طور تا چهارراه منصور سابق ادامه داشت. (جدول شماره ۳)

گل و بوته، گل و مرغ، مقرنس‌ها، قوس‌ها و اسلیمی‌ها، نقش‌های کلی این تزئینات بوده که با خلاقیت معماران، بنایان، گچ‌کاران و نجاران آن روزگار، یک نوع «کثرت در وحدت» را در خیابان اصلی شهر تبریز، تثبیت کرده بود.

جدول شماره ۳: بخشی از جداره‌های تاریخی تبریز مربوط به دوره پهلوی (منبع: نگارندگان)

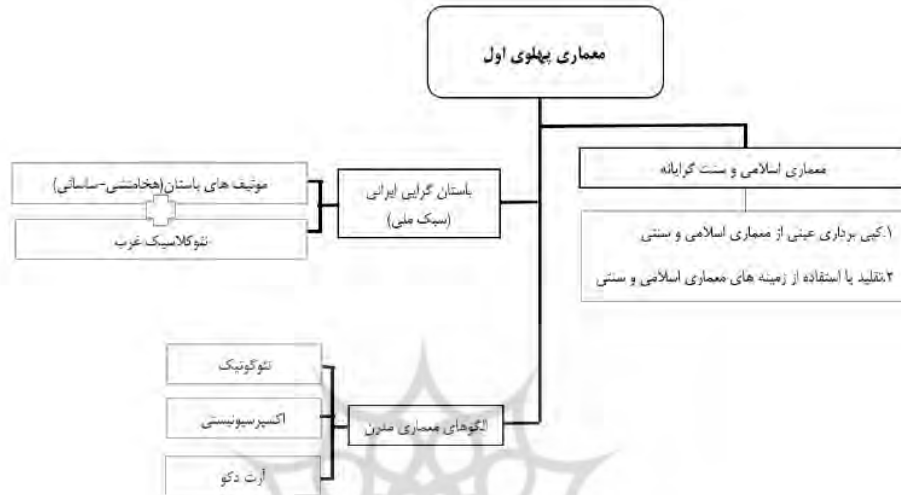


### ۱۰- یافته‌های تحقیق

مطابق آنچه که گفته شد در دوره پهلوی اول شیوه‌های سنت‌گرایی، مدرن‌گرایی و سبک ملی رویکردهای اصلی در شکل‌گیری معماری است. تمایز و تفاوت این شیوه‌ها در قالب شکل و معنا مبتنی بر سه محور معماری سنتی و اسلامی ایران، معماری مدرن و بهره‌گیری و الهام از نمادهای باستانی و نشانه‌های آثار معماری پیش از اسلام ایران قابل بیان است. تغییر نگرش شکل معماری این دوره از درون‌گرایی به بیرون‌گرایی غربی و ارتباط بنا با محیط اطراف و کاربری‌های مجاور، از تحولات مهم و قابل توجه در این دوره است. از طرفی حضور معماران خارجی دعوت شده به کشور و استفاده از معماران ایرانی تأثیر پذیرفته از آموزش و مبانی معماری غربی، در شکل‌گیری هویت جدید شهر پیش از طراحی و ساخت بناهای شاخص بر مبنای استراتژی حکومت و در رأس آن رضا شاه پهلوی نقش به‌سزایی ایفا کرد.

در معماری تبریز دوره پهلوی اول رویکردهای استمرار معماری اواخر قاجار و معماری سنتی ایرانی (به‌خصوص در معماری خانه‌ها)، متأثر از معماری نئو کلاسیک و اکسپرسیونیستی و نئوگوتیک آلمان (مانند عمارت شهرداری تبریز) و معماری

نئوکلاسیک ملی‌گرا بود. هم‌چنین استفاده تلفیقی از مصالح مدرن در کنار مصالح سنتی به‌ویژه آجر، از دیگر ویژگی‌های معماری این دوره بود. شکل‌گیری بدنه‌های خیابان اصلی و ایجاد جداره‌های با کیفیت بصری مطلوب با هدف شکل‌گیری سیمای جدید شهری، از دیگر اقدامات مهم و قابل ذکر است. از این دوران به بعد و در اثر شکل‌گیری یک دوگانگی نگرش بین سنت و تجدد، معماران معاصر ایرانی همواره در تلاش برای تلفیق سنت و مدرنیته در آثار خود بودند. که این امر را در تمایل خود به بهره‌گیری شکلی و یا معنایی از مفاهیم مطرح شده در تحولات سنت و تجدد، نشان می‌دادند.



تصویر شماره ۱۳: رویکردهای موجود در معماران دوره پهلوی اول (منبع: نگارندگان)

### ۱۱- نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی‌های صورت گرفته بر نگرش حاکم بر معماری دوره پهلوی اول و به‌خصوص بررسی بناهای مهم حکومتی و دولتی شهر تبریز می‌توان گفت که پهلوی اول تحت تأثیر فرهنگ لیبرال غرب و عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار (جدول شماره ۴) در صدد ایجاد نگرش نوینی برای توسعه و تغییرات بنیادی بود، شهرها و بناهای ساخته شده در این شهرها نیز از این نگرش مستثنی نبودند. این امر در شکل‌گیری هویت جدید در ساختار شهری از جمله شهری با قدمت تبریز نقش

غیرقابل انکاری ایفا کرده است. هر چند تقلیدگرایی صوری و فرمال از معماری ما قبل خود و نیز معماری رایج غرب به دلیل فقدان شناخت صحیح و کافی فلسفه مربوطه به هریک، مواردی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

جدول شماره ۴: عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر معماری معاصر ایران در دوره پهلوی

عوامل فرهنگی
ورود جریان تجدیدطلبی به ایران از طریق رفت و آمد ایرانیان به خارج برای مسافرت، تجارت، تحصیل
نفی ارزش‌های گذشته در شکلی مدرن و ارزشمند شدن پدیده‌های تازه
عدم آمادگی بخش وسیعی از مردم برای تحمل تحولات و تغییرات سریع
انقطاع فرهنگی ناشی از عدم واقع‌بینی روشنفکران نسبت به نیازهای جامعه
کاهش قدرت مذهب در دوران پهلوی
عوامل اجتماعی
شروع نظام شبه‌مدرن و مرتبط با سیاست‌های بین‌المللی در اواخر قاجار و ایجاد قانون اساسی به شکل غربی
جدایی بین عوام و خواص
ظهور رضا خان به علت بی‌ثباتی
ورود هیئت‌های مختلف سیاسی، آموزشی، پزشکی و مهندسی به ایران
اصلاحات نامحدود شهرها به دلیل تغییرات جمعیتی و تغییرات اجتماعی - فرهنگی ناشی از آن

هم‌چنین بررسی ابنیه مورد مطالعه و کارکرد کنونی آنها نیز به شرح زیر و به اختصار قابل بیان است:

- عمارت شهرداری تبریز سال ۱۳۸۶ ه.ش، به مناسبت بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس اولین انجمن شهر و بلدیة ایران در تبریز، به نخستین موزه شهر و شهرداری‌های کشور تبدیل و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در حال حاضر نیز علاوه بر این موزه، تالارهای مختلفی نظیر تالار دوربین‌های قدیمی، تالار دفاع مقدس، چاپ و نشر، فرش، هنرهای معاصر، خط و خوشنویسی، تالار حکمت و چندین تالار دیگر قرار دارند، شورای اسلامی شهر تبریز نیز در بخشی از این ساختمان مستقر بوده و جلسات رسمی شورا در محل آمفی‌تئاتر موجود در ساختمان تشکیل می‌شود. شهردار کلان‌شهر تبریز نیز برخی از ملاقات‌های رسمی، دیپلماتیک با مقامات عالی‌رتبه را در محل این کاخ انجام می‌دهد. این بنا به دلیل وجود ساعت در بالاترین نقطه برج در میان مردم به



ساختمان ساعت (ساعات قباغی) نیز شهرت دارد. نکته قابل توجه این که این میدان به‌عنوان یکی از آثار قدیمی و بنام شهر تبریز به ثبت ملی رسیده است.

- ساختمان کتابخانه ملی واقع در باغ گلستان بارها دچار تغییر کاربری شده است. این بنا در ابتدا توسط انجمن شهر تبریز و پیش از انقلاب به‌صورت باشگاه شهرداری، باشگاه افسران و تالار پذیرایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. پس از انقلاب نیز به ترتیب نهاد هایی مانند کمیته انقلاب اسلامی و سازمان محیط زیست در آنجا استقرار داشتند تا این که در سال ۱۳۶۰ کتابخانه ملی تبریز از محل اصلی خود در جوار ارگ تبریز به آنجا منتقل شد. در سال ۱۳۸۵ نخستین موزه کاریکاتور آسیا و پنجمین موزه این هنر در سطح دنیا در بخش غربی عمارت تأسیس شد. در حال حاضر، این بنا «خانه هنر تبریز» نام گرفته است.

- ساختمان دانش‌سرای عالی تبریز تا پیش از سال ۱۳۱۴، محل فعلی متعلق به سربازخانه و میدان مشق سربازان روسی بود و پیش از هجوم روس‌ها به تبریز، قزاق‌ها و سربازان ایرانی نیز در این محل به مشق نظامی می‌پرداختند. در دوران پهلوی اول و به دنبال تصویب قانون تربیت معلم در اسفند ماه سال ۱۳۱۲، نخستین کلاس دوره دانش‌سرای مقدماتی برگزار شد. این بنای ارزشمند در دهم خرداد ۱۳۸۲ با شماره ۸۹۰۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده و تحت مالکیت اداره آموزش و پرورش قرار دارد. اگرچه دانش‌سرای تبریز یکی از قدیمی‌ترین نهادهای آموزش عالی در ایران به‌شمار می‌رود و حتی دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز برای نخستین بار در آن‌جا آغاز به کار کرده است. ولی در طول سال‌ها، عدم استفاده مناسب (واگذاری به مدرسه راهنمایی) که با ماهیت رفتار احتیاطی درباره این بنای قدیمی سازگاری نداشته، باعث تخریب آن شده است. البته بنا در حال حاضر، به‌صورت نیمه‌تعطیل بوده و نیازمند بازسازی و مرمت است.

- مدرسه پروین اعتصامی تبریز (مدرسه‌ی مموریال اسبق) در سال ۱۸۸۱ میلادی به دست مبلغین مذهبی فرقه‌ی «پرسبیتی» آمریکا در تبریز تأسیس شد. طبق شواهد تاریخ فرهنگ آذربایجان مدرسه‌ی مموریال در سال ۱۳۱۸ طبق فرمان بسته شدن مدارس خارجی، تعطیل شد و بعدها نام آن را به «مدرسه‌ی پروین» تغییر دادند. محوطه‌ی این مدرسه بسیار بزرگ بود و بعدها آن را تفکیک کردند و مؤسسات و مدرسه‌های دیگری مانند میدان ورزشی مموریال، دبیرستان رسالت، دبیرستان نبوت، مدرسه‌ی نصر، سالن ورزشی شهید توانا، کلیسای پروتستانی انجیلی و چند مغازه در قسمت غربی و جنوب غربی آن

در خیابان شریعتی (شهناز سابق) ساخته شد. در محوطه‌ی دبیرستان پروین اعتصامی ساختمان تاریخی مموریال قرار دارد. مدرسه‌ی پروین بعد از انقلاب اسلامی به «دبیرستان توحید» تغییر نام داد. و در حال حاضر نیز با کاربری آموزشی در حال فعالیت است. در تبریز دوره‌ی پهلوی اول عمارت‌های نوساز با رویکرد تلفیقی نئوکلاسیک اروپا با عناصر سنتی معماری ایرانی، استفاده ترکیبی از روابط فضایی مدرن و سنتی ایرانی در داخل بنا و البته توجه به ایجاد بدنه منسجم با ارزش به لحاظ معماری ایجاد میدادین و جداره‌های تأثیرگذار و هویت‌ساز در کالبد شهر، از جمله نتایج مهمی است که حاصل شد.

### پی‌نوشت

۱- نئوگوتیک (Neo-Gothic)، سبکی بود که در اواسط قرن ۱۸ میلادی و در انگلیس پدیدار شد و آن را با نام «احیای گوتیک» و «گوتیک ویکتوریایی» نیز می‌شناسند. احیای این سبک تقریباً با رواج پیدا کردن معماری نئوکلاسیک در آمریکا و بریتانیای کبیر همراه بود و نئوگوتیک به نوعی باید با آن به رقابت می‌پرداخت. سبک نئوگوتیک اثر قابل توجهی بر روی انگلیس و به‌طور کلی اروپا و امریکای شمالی گذاشت. شاید بتوان گفت که در مقایسه با گوتیک دوران قرون وسطی که الهام‌بخش این سبک بوده، تعداد بناهای بیشتری طی قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی به این سبک ساخته شده است.

۲- معماری نئوکلاسیک، حدوداً از نیمه دوم قرن هجدهم تا نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی در اروپا رواج داشت. اگر بخواهیم نئوکلاسیک را در یک جمله سبک تعریف کنیم می‌توان عنوان کرد: نئوکلاسیک، پوسته‌ای کلاسیک بر روی امکانات مدرن است. اولین سبک معماری غربی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به سبب سفرهای مکرر وی به فرنگ در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی به‌عنوان نمادی از تجدد وارد ایران شد و معماری ایران را تحت تأثیر خود قرار داد.

## منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵): *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: پیام.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸): *ایران: هویت، ملت، قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۸): *معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و نوگرایی*، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- ----- (۱۳۸۹): *معماری غرب ریشه‌ها و مفاهیم*، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- باور، سیروس (۱۳۸۸): *نگاهی به پیدایش معماری نو در ایران*، تهران: نشر فضا.
- بلیان و همکاران (۱۳۹۳): «بازسازی مجموعه قصرهای حکومتی دارالسلطنه تبریز در دوره قاجار»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۱۹، ش ۱، صص ۴۲-۳۳.
- بهمنش‌راد، جواد (۱۳۸۹): *در جستجوی هویت شهری تبریز*، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- پاکدامن، بهروز (۱۳۷۳): *نگاهی به گرایش‌های معماری در تهران (قسمت اول)*، کتاب تهران، ج ۴، تهران: نشر روشنگران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴): «انسان مدرن و معماری هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۶، ش ۲۱، صص ۲۸-۹.
- تقوایی، سیدحسین (۱۳۹۱): «از سبک تا هویت و معماری»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۱۷، ش ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰): *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- *دانشنامه جهان اسلام* (۱۳۸۱).
- دولتی، حسن؛ ضامنی، فرشیده (۱۳۹۵): تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۱۷، ش ۶۸، صص ۱۸-۳.
- شرف و شرافت (۱۳۵۵): *روزنامه‌ی شرف و شرافت (چاپ جدید)*، زیر نظر مجید رهنما، تهران: بنیاد اشرف پهلوی.
- صارمی، علی‌اکبر (۱۳۷۴): *مدرنیته و تأثیر آن بر طراحی معماری و شهرسازی ایران*، تهران: گنگو.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۵): *تأملی درباره ایران با مکتب تبریز و مبانی تجددگرایی*، ج ۲، بخش اول، تهران: نشر ستوده.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۲): *مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳): *معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۳۲۰-۱۲۹۹*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۹): *جهانی‌شدن فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸): *تجدد و شخصیت (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لنگ، جان (۱۳۹۰): *آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)*، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۹۰): *تئوری شکل شهر*، ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.

- مختاری طالقانی، اسکندر (۱۳۹۰)؛ *میراث معماری مدرن ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مقتدر، محمدرضا (۱۳۷۲)؛ *دوران صد ساله‌ی تجدد در شهرسازی و معماری ایران*، ایران‌نامه.
- منصورکیایی، نادر (۱۳۷۹)؛ «سنت و تجدد»، *نشریه بازتاب اندیشه*، دوره ۱، ش ۸، صص ۵۹-۵۶.
- مهدوی‌نژاد و بمانیان، محمدرضا و خاکسار، ندا (۱۳۸۹)؛ «هویت معماری، تعیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن»، *دوفصلنامه هویت شهر*، دوره ۴، ش ۷، صص ۱۲۲-۱۱۳، پاییز و زمستان.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ منصورى مجومرد، پریناز (۱۳۹۴)؛ «ورود جریان‌های نوگرا به معماری معاصر ایران، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، دوره ۶، ش ۲۱، صص ۳۰-۱۹.
- نبوی‌رضوی، سیدمقداد (۱۳۹۳)؛ *دربار شاهی و قتل ناصرالدین شاه، در تاریخ مکتوم*، تهران: پردیس دانش.
- نقش محیط (مهندسین مشاور) (۱۳۹۲)؛ *طرح توسعه جامع تبریز*، گزارش پیشنهادی، ویرایش اول، شهرداری تبریز.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵)؛ «نگاهی تحلیلی به روند مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست‌مدرن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۷، ش ۲۶، صص ۱۴۸-۱۲۷.
- نوربرگ‌شولتز، کریستین (۱۳۸۲)؛ *گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان*، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان.
- ----- (۱۳۸۷)؛ *معماری: زبان، مکان*، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، تهران: انتشارات نیلوفر.
- همایون کاتوزیان، م (۱۳۸۵)؛ *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران، نشر مرکز.
- Casteld M. (1997); "The Power of Identity, the economy", *Society and Cultuer*, Oxford: Blachwell.
- Marefat, Mina. (1988); *Building to Power: Architecture of Tehran, 1921-1941*, (P.h.D. diss., MI
- Simon, Bernd (2004); *Identity in Modern Society: a Social psychological Perspective*, London: Blachwell Publishing.

